

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

حزب کار ایران- توفان

۱۹ دسمبر ۲۰۱۳

## در پس پرده روابط ایران و امریکا

ایران لقمه چربی برای امریکاست و لذا خیال خامی است اگر تصور شود که به این راحتی دست از سر ایران بر می دارد. خیال خام است اگر کسی فکر کند از تاریخ روی کار آمدن روحانی در ایران و اتخاذ لحن مؤدبانه در عرصه روابط دیپلماتیک خارجی ماهیت ضد بشری و غارتگرانه و ریاکارانه امپریالیستها و به ویژه امپریالیسم امریکا تغییر کرده است و آهنگ آن دارد از فردا حق را به حق دار برساند.

امریکا وقت و فرصت کافی دارد، پول دارد، کارشناس نظامی، حقوقی، جاسوسی، علمی و... دارد، کادرهای ورزیده در عرصه های گوناگون دارد، رسانه های گروهی جهان را در اختیار انحصاری خود دارد، قادر است افکار عمومی در سراسر جهان را با پخش دروغ و خریدن مخبران خود فروخته و جاسوس که تعدادشان کم نیستند، شکل دهد و بسازد، بنگاههای انحصاری تبلیغاتی جهانی دارد، اسلحه زمینی، دریائی، هوائی دارد، با نقض حقوق ملتها با بی شرمی به کشورها تجاوز می کند، مصوبات کنگره امریکا را به همه کشورهای جهان تحمیل می نماید، سازمان ملل متحد را به آلت دست خود بدل کرده است، تمام شبکه دنیای مجازی و پستهای الکترونیک و تارنماهای شخصی و فیس بوک و تلفونها و پیامکها و... را کنترل می کند و... و با این همه توانائی های موجود، روشن است که آنها با خونسردی به کناری می نشینند و دام می گذارند و با خونسردی نظارت می کنند، تا ببینند که صید چگونه با پای خود در حال نوشیدن جام زهر و قبای توابی به دام می افتد و از عقب نشینی پیروزمند و یا تسلیم انقلابی سخن می راند.

روایت است که وقتی یک کارشناس نفت انگلیسی به مسجد سلیمان می رفت تا چاه نفت بزند، یک راهنمای محلی و یک مترجم ایرانی همراه داشت. راهنمای محلی برای بردن وی بر سر منطقه منابع نفتی، از وی حق الزحمه ای گرفته بود، ولی در میان راه به انگلیسها با صدای بلند و مستمر دشنام می داد. کارشناس انگلیس از مترجم جوای معنی حرفهای وی شد. مترجم گفت به شما دشنام می دهد. کارشناس با نگرانی پرسید: آیا ما را به منطقه مورد نظر می رساند و وظیفه اش را انجام می دهد؟ مترجم آن را تأیید کرد، و کارشناس لُبخندی زد و گفت دشنامهای وی مهم نیست، رساندن ما به مقصد مهم است وی پاسخش را بعداً خواهد گرفت.

امپریالیسم امریکا، ایران را از زمان جیمی کارتر جزو حریم امنیتی امریکا اعلام کرد و این به آن معناست که حاضر است برای تأمین منافعش در منطقه، حتی از بمب اتمی استفاده کند. امریکا می داند که رژیم جمهوری اسلامی تنها رژیمی در منطقه است که سلطه سیاسی امپریالیسم امریکا را نپذیرفته است و این برای ارباب جهان پذیرفتنی نیست. وی کشوری می خواهد مانند عربستان سعودی و یا امارات متحده عربی، عراق، افغانستان و حتی پاکستان رژیمی مانند دوران محمد رضا شاه دست نشانده، که بتواند در این کشورها هر طور که می خواهد جولان دهد و از کسی واهمه

نداشته باشد. بتواند ۵۰ هزار مستشار امریکائی با مصونیت قضائی را به ایران آورد و در مرزهای شمال ایران دستگاههای شنود مستقر سازد و خلق ظفار را به عنوان ژاندارم منطقه سرکوب کند. انقلاب ایران به این توحش نقطه پایانی گذارد. امپریالیسم امریکا حداقل به اعتراف خودش، از آغاز سالهای ۲۰۰۰، در یک شنود بی مانند جهانی، با نقض همه ارزشهای به رسمیت شناخته شده جهانی، تمام مکاتبات و تیلیفونها و ارتباطات ماهواره ای و اینترنتی رژیم جمهوری اسلامی را تجسس کرده و به خوبی می داند که ایران فاقد بمب اتمی است، امپریالیسم امریکا، به اعتراف مطبوعات غرب، حتی سفر خامنه ای به کردستان و سخنان وی و همراهانش را مرتب پیگیری می کرده است، ولی با وجود این اطلاعات و ابعاد وسیع آن، یک لحظه هم حاضر نیست از دروغها و تحریکات خویش دست بردارد و تحریمهای ضد بشری علیه مردم ایران را مرتفع سازد. وی با فشار و تهدید، "نرمش انقلابی" را به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل می کند. امریکا، ایران را به یک جنگ فرسایشی می کشاند و هرچه ایران ضعیفتر به میدان آید موفقیتهای امریکا برجسته تر است.

بسیاری از کشورهای جهان علی رغم همه این توانائی های برشمرده امپریالیسم، در مقابل امپریالیسم امریکا ایستادند و از کشور خویش و منافع ملی خویش دفاع کردند. هم اکنون ما با پاره ای از این ممالک در امریکای لاتین روبه رو هستیم که تمام دسیسه های امپریالیسم را نقش بر آب نموده اند. تفاوت رژیم جمهوری استبدادی اسلامی با سایر رژیمها، نظیر ونزولا، بولیوی، اکوادور، کوبا، نیکاراگوئه و... در این است که این رژیم به خاطر سیاستهای نادرست اقتصادی و سیاسی و سرکوبگرانه خویش، علی رغم ثروت عظیمش، از حمایت همه جانبه مردمی محروم است. مردم ایران از این رژیم سراپا مافیائی، فاسد، دزد و ستمگر نفرت دارند. فقدان این تکیه گاه مهم اجتماعی، زمینه تسلیم طلبی رژیم جمهوری اسلامی در مقابل امپریالیسم را بهتر فراهم می آورد. این رژیم فاسد حتی برای یک عقب نشینی منظم نیز برنامه روشنی ندارد و چنان در چنگال تحریم و محاصره اقتصادی و تهدیدهای نظامی و دیپلماتیک اسیر است که امکان هرگونه مانور سیاسی را از دست داده است. در ایران جناحی از روحانیت و محافل با نفوذ و پرقدرت پنهان، از تحریمهای اقتصادی به ضد مردم ایران مسروراند، زیرا سودهای نجومی با احتکار مواد غذایی و دارو به جیبهای آنها سرازیر می شود. "برادران قاچاقچی" از اسکله های پنهانی و غیر قانونی کالاهای خصوصی مافیای در قدرت را بدون گمرک و حساب و کتاب به بازارها وارد کرده و موجبات ورشکستگی کارخانجات را فراهم می آورند و سودهای هنگفت می برند. این عده در کنار اپوزیسیون خودفروخته و "انقلابی" ایران در خارج که فکر می کند تحریم موجب انقلاب نوع امریکائی است، موافق ادامه تحریم اند. شعارهای "ضد امپریالیستی" و "ضد صهیونیستی" آنها در خدمت ادامه تحریمها و افزودن به ثروتهای باد آورده است.

جناحی موافق برداشتن تحریمها به هر بهائی است، زیرا این اقدام هجوم سرمایه های امپریالیستی را به ایران تسهیل می کند و سیاست تعدیل اقتصادی را بر مبنای زیرین به نفع جهانی شدن سرمایه و سیاست نئولیبرالیسم تاچریسم تکمیل می کند. باید شرایط به نفع سود دهی حداکثر سرمایه های خارجی تغییر کند. یعنی یارانه ها به کلی حذف شوند، بهای مواد سوخت در بازار آزاد، به طور سرسام آور افزایش یابد. باید نیروی کار، به اسارت در آید و فقر و فلاکت برای تشدید درجه استثمار و تن دادن به هر درجه از فشار افزایش یابد، باید قوانین کار به نفع سرمایه داران و برده کردن کارگران، به دست مجلس شورای جمهوری اسلامی تغییر کرده تا شرایط برده داری سودآور بر شالوده فقر و بدبختی ملت فراهم گردد، باید سیاست خصوصی سازیهای بی حد و حصر، خصوصی سازی منابع اولیه و نفت و گاز، فاضلاب و برق و آب، شرکتهای هوایی و دریائی، با خصوصی سازی بنای صنایع زیر بنائی، با تلفیق سرمایه های سرمایه داران ایرانی با ابرشرکتهای امپریالیستی برای غارت بی در و پیکر ایران، کامل شود. باید ملاحظات زیست محیطی به دور افکنده شود و دولت کارگزار بر نظم درون کارخانه ها حراست کند. باید تحصیل، پولی و خصوصی شود و فقط فرزندان

آقازاده ها حق استفاده از ثروتهای طبیعی ایران را داشته باشند و... تا ایران به دامن "جامعه جهانی"؟؟ بازگردد. به زبان غیر دیپلماتیک تا ایران توی بغل امپریالیسم جای گیرد و به حلق آنها فرو رود.

امپریالیستها از هم اکنون با متن قراردادهای استعماری که تجارب آن را از غارت اندونزی، کوریا، جنوبی، بنگله دیش، هندوستان، میانمار، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، عراق و... به دست آورده اند، در پای دروازه های ایران به صف ایستاده اند تا آنها را به ایران نیز تحمیل کنند و سیاست لیبرالیسم نئوکانی را در متن جهانی کردن سرمایه در ایران متحقق گردانند. این امر با رژیمی که بدون برنامه و دوراندیشی سیاسی، هراسان و بی نظم و کوربینانه در حال عقب نشینی "انقلابی" است، به راحتی بیشتری مقدور است.

امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه با شناختی که از ایران دارند و اطلاعاتی که به دست می آورند، می دانند که وضع حکومت آخوندها تا به چه حد متزلزل است و خطر فروپاشی آنها تنها تخیل نیست. رژیم جمهوری اسلامی در میان مردم نه محبوب است و نه مطلوب و به این جهت فاقد پایگاه مردمی است. این همان ابزار قدرتی است که رژیم جمهوری اسلامی برای تداوم استقلال ایران فاقد آن است و به این جهت منافع حاکمیت خویش را بر منافع ایران مرجح می بیند.

امریکائی ها به روشنی بیان کرده اند که مسأله آنها، مسأله هسته ئی نیست، آنها در این فاصله حداقل در حرف پذیرفته اند، که غنی سازی اورانیوم حق مسلم مردم ایران است و قدرتهای جهانی حق ندارند و نمی توانند از بالای سر پیمانهای جهانی اراده قلدرمنشانه خویش را به مملکت تحمیل کنند. زیرا واقعاً هم در این عرصه جایی برای بمبهای اتمی موهومی ایران وجود ندارد، تا آن را پیدا کنند و به نمایش بگذارند. آنها حق مسلم مردم ایران را که مورد تأیید همه ممالک غیر متعهد جهان و تمامی خلقهای جهان است در حرف به رسمیت می شناسند، ولی در عمل شرط و شروطی را بر ایران تحمیل می کنند که آن حق تنها یک شیر بی یال و دم و شکم بر صفحه کاغذ شود و بدون نتیجه عملی باقی بماند. آنها حق ما را تا زمانی که نخواهیم از آن استفاده کنیم به رسمیت می شناسند. سخنان اخیر نتانیاهو که اساساً این حق را به رسمیت نمی شناسد و یا تغییر لحن صهیونیستی وزیر امور خارجه فرانسه که تا دیروز می خواست به رهبری سرکوزی بر سر مردم ایران بمب اتمی بیندازد، از همین جا سرچشمه می گیرد و بخشی از سیاست جنگ فرسایشی آنهاست. امپریالیسم امریکا در تجاوز به کوریا، در تجاوز به ویتنام در تجاوز به لائوس و کامبوج، در تجاوز به افغانستان و عراق، در تجاوز به حقوق بشر و ملل، در تجاوز به لیبیا و سوریه، در تجاوز به اندونزی و چیلی و کنگو و... همیشه دروغ گفته و سند جعل کرده است. هرگز نباید به امپریالیسم اعتماد کرد. آنها فقط به عهد شکنی و حفظ منافع ابر شرکتهای امپریالیستی و منافع آزمندانۀ خویش تعهد دارند و مقیداند. وعده امپریالیسم وعده گرگ به گوسفندان است. آنها بر اساس اسناد ویکی لیکس، اسناد قهرمانی به نام ادوارد سنودن و... در پشت دیوار بلند دروغ و حاشا، تمام ارزشهای انسانی را لگدمال کرده و بزرگترین دستگاه نظارت، جاسوسی و شنود تاریخ بشریت را برای نقض حریم خصوصی انسانها و ملتها و کشورها به وجود آورده اند. آنها ولی با بی شرمی از نقض حقوق انسانها و دستگاههای خفقان و شنود، در سایر ممالک انتقاد می کنند. آیا این جنایتکاران ریاکار قابل اعتمادند؟ هرگز! آن مدعیان سیاسی که بعد از یک قرن ریاکاری امپریالیسم و اسناد غیر قابل انکار بر آنها سرپوش می گذارند، ساده لوح نیستند، خودفروخته اند.

امپریالیستها امروز در پی شبه استدلالات جدیداند و می گویند که اگر امروز آنها از بمب اتمی ایران در کنار امر غنی سازی اورانیوم سخن می رانند و خطر ایران را گوشزد می کنند و هوادار راست آزمائی؟؟ و اعتماد به ایران هستند، منظورشان بیشتر و در ماهیت امر مسأله امنیت اسرائیل است. ایران باید امنیت اسرائیل را تأمین کند و نگرانی های نتانیاهو را بر طرف کند. این امنیت می تواند نه تنها با بمب اتمی، بلکه به طرق دیگر نیز که ایران در آنها به نحوی

سهم دارد، به خطر افتد. اگر ایران بمب اتمی نداشته باشد، که ندارد، ولی به هر صورت امنیت اسرائیل را به نحوی تهدید کند، نباید انتظار همکاری با امریکا را داشته باشد. اما خود مفهوم امنیت اسرائیل بسیار قابل تفسیر بوده و شامل کل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برخورد به مسأله فلسطین و یا سوریه و یا نیروهای مقاومت در لبنان و... نیز می گردد. امریکا در کادر تقاضای "تضمین امنیت اسرائیل" که مسأله هسته ئی ایران را در متن آن قرار می دهد، در واقع خواهان تغییر سیاست خارجی ایران در منطقه می باشد. به یک باره شما از حق مسلم ایران در غنی سازی اورانیوم که حالا مورد "تأیید" امپریالیسم است (فراموش نکنیم که تا زمانی که جرج بوش پسر سر کار بود این حق به صراحت و بی شرمی رد می شد- توفان) به تضمین امنیت اسرائیل می رسید. پس روشن است که حل مسأله اتمی ایران یک بسته کامل و پیچیده است که از سیاست خارجی ایران تا سیاست اقتصادی ایران و امتیازاتی که باید به بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی و منطقه آزاد تجارتي و... تعلق گیرد را در برمی گیرد. این قصه طبیعتاً سر دراز دارد. آن روز که ایران از قدرت بیشتری برخوردار بود، به خرافات تکیه کرد، تنها چاه جمران حفر کرد و امامزاده ساخت و تلاشی نکرد تا مانع دسیسه چینی امپریالیستها گشته و ایران را برای مبارزه با این تحریمهای ضد انسانی که تجربه آن در عراق یک میلیون کشته داشت، آماده کند. مافیای حاکم در فکر چاپیدن و دزدیدن بود. قانقاریای فساد از رأس تا ذیل این حکومت را در بر گفته است و با این مواضع ضعیفی که اکنون دارد، روشن نیست که تا چه مدت امکان مقاومت و عقب نشینی خیانتکارانه را دارا می باشد. کشوری که نتوانسته باشد استقلال اقتصادی خویش را با این همه کادر تحصیل کرده، منابع اولیه و سود سرشار ناشی از فروش نفت تأمین کرده باشد، هم زمینه را برای زد و بند جناحهای در قدرت با امپریالیسم فراهم می کند، هم به ورشکستگی و وخامت اوضاع بیشتر دامن می زند و هم با فضاحت و ننگ و خفت بیشتر تسلیم امپریالیسم و صهیونیسم می گردد.

تنها کشوری قادر است استقلال سیاسی خویش را حفظ کند که به مردم تکیه کند. حقوق مردم را به رسمیت بشناسد، شورای نگهبان فاقد صلاحیت و مرکز دسیسه و توطئه را منحل کند، اجازه فعالیت احزاب انقلابی و نیروهای میهنپرست و ایراندوست را بدهد، اتحادیه های کارگری را آزاد کند. در یک کلام دموکراسی را در ایران مستقر سازد که شرط آن آزادی فعالیت کمونیستی است، تا مردم بدانند که از چه چیز باید در مقابل هجوم امپریالیستها دفاع کنند. رژیم جمهوری اسلامی با سیاست سرکوبگرانه و ضد مردمی خویش به بن بست رسیده است. جناحهای مافیائی به جان هم افتاده اند تا هر کدام به بهترین نحوی جیب خود را پر کنند. آفازده ها با دزدیهای کلان به مردم فخر می فروشند و مظاهر دزدی و فساد را به نمایش می گذارند. به نظر نمی رسد که رژیم جمهوری اسلامی از این خفت کمر راست کند. فشار از جانب امپریالیستها و صهیونیسم، فشار از جانب مردم و نزاع مفتخورها و فاسدها و آدمکشهای در قدرت که در قتلهای زنجیره ئی و کشتار زندانیان سیاسی دست داشتند وضعیت پیچیده ای را ایجاد کرده است که مسیرش در جهت تأمین منافع امپریالیستها در ایران خواهد بود. رژیمی که به مردمش تکیه ندهد و دستاوردهای انقلاب را حفظ نکند ناچار است مجدداً نوکری امپریالیسم را بپذیرد و به ژاندارم منطقه بدل شود.

**بر گرفته از توفان شماره ۱۶۵ آذر ماه [قوس] ۱۳۹۲ دسمبر سال ۲۰۱۳، ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)**

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

نشانی پست الکترونیک (ایمیل)

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

چند وبلاگ سیاسی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

<http://kanonezi.blogspot.se/>

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

[http://toufan.org/nashrie\\_tofan%20archive.htm](http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm)

توفان در توییتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>